



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۴/۲۹



م، نعیم بارز

کودتاها، تجاوزها و پایان نا معلوم جنگها در افغانستان!



قسمت دوم

در یک چنین اوضاع و احوالی که از جنایات پیروان شوروی و روسها بمیان آمده بود، هرکس که عضو حزب شان نبود هر لحظه خطر زندانی شدن و نابودی خود را حس میکرد، و در این حالت که نسبت به دولت کینه و نفرت عناصر آگاه و میهن پرست بالا گرفته بود، نور محمد تره کی به زعم خود و طرفدارانش به اصطلاح دست به ابتکار زده فرمانهای انقلابی صادر نمود که از آن جمله چند تایی آن را مثال می آورم:

۱ - طبق یکی از آن فرامین، پرچم ملی سه رنگ افغانستان بلاد رنگ، به پیروی از شوروی برنگ سرخ مبدل شده جای علامه محراب و خوشه گندم را داس و چکش گرفت، که بنا بر اعتقادات مذهبی و غرور ملی در سرتاسر کشور احساسات مردم را علیه دولت برانگیخت.

۲ - مطابق فرمان تقسیم اراضی، اعضای حزبی بگفته خود شان ریسمانها را گرفته بالای زمینهای اربابها و فئودالها رفته زمینهای آنها را به قطعات کوچک تقسیم کرده هریک از قطعات را به دهقانان بی زمین و کم زمین پیش کش نمودند، اما دهقانان که سالها در کنار مالک زمین در یک قلعه و یا در جوار هم با صد ها رشته همبستگی فرهنگی، مذهبی و پیوندهای خونی زندگی کرده بودند، گرفتن این زمینها را برای خود ننگ و حرام دانسته، میگفتند این زمین را خدا به کسانی که لازم دیده داده ما هم از خدای خود میخواهیم، ولی زمینهای را که شما از دیگری به زور گرفته مفت و رایگان به ما میدهید ما مال حرام را قبول کرده نمیتوانیم.

البته کسانی بودند که بگرفتن این گونه زمینها تن میدادند اما آنها نه خود وسایل تولید را در اختیار داشتند و نه دولت قادر بود که ناچیزترین وسایل تولید و تخم بزرعی و کود شیمیایی را بدسترس شان بگذارد، کمونیستهای متعصب و عقده ای که در گذشته بعضی اختلافات شخصی و قومی با بعضی از زمیندارها داشتند، بر علاوه از اینکه زمینهای شان را گرفته و

بدیگران توزیع مینمودند با دسیسه سازی ها و توطئه چینی های گونه گون به بازداشت و آزار و اذیت آن ها می پرداختند و شعار های زنده باد انقلاب ۷ ثور، زنده باد دهقانان و کارگران! مرگ بر فئودال ها! و سرمایه داران! را سرمیدادند.

۳ - فرمان ازدواج : مطابق به این فرمان گرفتن تویانه یا شیربها و بر پاکردن مجلس عروسی قطعن اعلام شده بود، با استفاده از این فرمان کمونیست های تازه به دوران رسیده که هر یک تفنگچه ای را در کمر و کلا شینکف را بشانه آویزان داشت از دختری که خوشش می آمد به محاکم دولتی مراجعه کرده ادعا می نمود که دختر فلان شخص همایش توافق به ازدواج دارد ولی اولیای دختر رضایت ندارد و شرایط سختی را پیشنهاد می نماید که از اجرای آن توان خویش را عاجز می بیند. حاکم طبق اظهار مذکور پلیس را به عقب خانه دختر فرستاده، اختیار دار دختر را به محمکه احضار میکرد، در آنجا اکثراً بین عارض و اولیای دختر دعوا در میگرفت که بسی اوقات جر یان منجر به لت و کوب و زندانی شدن اولیای دختر می شد.

۴ - فرمان سواد آموزی : مطابق به این فرمان گذشته از اینکه در هفته چند بار مردان را از کار روز مره شان باز داشته و به حوزه های حزبی جهت سواد آموزی فرا میخواندند، زن ها و دختر های را که بنابر عوامل متعدد و عادات دیرینه نمی خواستند روی شان را پسر از هفت ساله به بالا ببیند، جبراً از کار و بار داخل خانه و از خدمت اطفال خورد سال شان باز داشته در کورس های سواد آموزی که توسط کمونیست های بروتی کم سواد تدریس می شد فرا می خواندند، از این بابت روزانه صدها نزاع بر پا میشد.

بر اساس این نوع فرامین خلاف مقتضیات جامعه و برخورد های غلط و مغرضانه حزبی های وابسته به روس ها نسبت به مردم پای هزاران انسان بی گناه را به زندان و بنام ضد انقلاب به کشتار گاه می کشاندند.

قیام مردم هرات تا حدودی در اثر اینگونه ظلم و ستم و بد رفتاری حزبی های مذکور به راه افتاد که در ظرف چند ساعت بوسیله تانک ها و طیارات دولت کابل و روسیه شوروی بیش از بیست و پنج هزار انسان به خاک و خون کشیده شدند.

همچنان قیام مردم چندول و قیام بالا ا حصار کابل و قیام های متعدد کوچک دیگر همه ناشی از نبود آمادگی لازم برای مبارزه و جبر و ستمی بود که بوسیله پیروان روس بر مردم بیچاره و بی دفاع تحمیل می شد، این حرکت ها رفته رفته چون قطرات باران به سیل تبدیل شد و باعث جنبش های خود بخودی در سراسر کشور گردید و در ظرف یکی دو سال چنان حالتی بمیان آمد که نه تنها کمونیست های سر سپرده روس همان کارگر ها و دهقانانی را که به اصطلاح برای بهبود زندگی شان انقلاب کرده بودند با تانک و توپ میکشند بلکه این کشت و کشتار در میان اعضا حزبی خود شان نیز سرایت کرد، تاجائیکه نور محمد تره کی نیز بدست شاگرد و فادارش حفیظ الله امین بقتل رسید.

در اثر بمیان آمدن چنین اوضاع متشنج و بحرانی با وجود آنکه پس از نخستین روز های کودتا روسها به منظور به راه انداختن جنگ میان افغانستان و پاکستان، فرستادن سلاح های ثقیل و مدرن مثل اسکاد را به افغانستان آغاز نمودند ولی هیچگاه موفق نشدند و فرصت حمله به آن کشور را از طریق دولت افغانستان نیافتند، بالعکس دولت پاکستان و دولت های حامی آن از این رویداد و بحران استفاده کرده ابتدا توسط گلبدین حکمتیار یکی از سران گروه اخوان المسلمین افغانستان که حدود پنج، شش سال قبل از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ بنابر یک بخورد خونین که بین گروه وی و گروه چپی موسوم به شعله جاوید در صحن پوهنتون کابل روی داده بود و منجر به قتل یک نفر محصل به اسم سیدال سخندان شده بود از این بابت به پاکستان فرار کرده بود تماس گرفته، با کمک های مالی و نظامی وی را تجهیز نموده به حملات چریکی حساب شده علیه دولت افغانستان پرداخته که در اثر کمک های بعدی که از امریکا و کشور های دیگر به پاکستان می رسید از طریق دولت پاکستان مقدار زیادتیر آن نسبت به گروه های دیگر به گروه گلبدین رهبر «حزب» داده میشد.

لذا بخت و اقبال بوی یاری کرد، که این شخص از موقف یک محصل گم نام فراری، به رهبر یکی از مهمترین گروه های اسلامی ضد دولت کابل مبدل شد، مگر دولت پاکستان وظیفه توزیع و تقسیم سلاح را به مجاهدین افغان محدود بیک گروه ساخت زیرا پاکستانی ها نسبت به رهبران دولت شوروی در مورد افغانستان این را حد اقل میدانستند که تاریخ مبارزات مردم افغانستان به شکل گروهی و حزبی خیلی ها محدود و ناچیز بوده و از این لحاظ هیچ گروهی قادر نیست که به تنهایی بتواند رهبری این همه جنبش وسیع و خود جوش را در آن کشور به عهده گیرد و از اجرای آن بدر شده بتواند و مهمتر از همه اینکه پاکستانی ها نقشه ها و توقعاتی که از رویداد های افغانستان در سر داشتند قسداً رهبری جهاد و امور سیاسی آن را به خود تخصیص دادند و وظیفه تنظیم ها را محدود به امور جنگیدن نمودند، با درک این مسایل به چند تا ملا و مولوی دیگر هم رسماً اجازه دفتر یا دوکان های فروش اسلحه و مهمات جنگی را داده و از همین جهت دوکان داران مذکور بیشتر از هر مساله دیگر بخاطر دو مساله باهم به رقابت و خشونت پرداختند.

یکی اینکه هر یک می کوشید به هر وسیله ای که شده حریف یا مخالف خود را نزد دولت پاکستان و دولت های دیگر خوار و بی اعتبار معرفی کرده و خود را یگانه نیروی قدرتمند و نماینده باصلاحیت مقاومت افغانستان جا زند و بدین ترتیب بیشترین کمک های اقتصادی و لوژستیکی را بدست آورد.

دوم برای اینکه در فردای سقوط دولت دست نشانده روس در افغانستان در کسب حاکمیت، حریف قوی را در مقابل خویش نداشته باشند با خشونت در برابر هم قرار گرفتند که این اختلافات را تا سرحد مبارزه مسلحانه در بین مردم و در تمام نقاط کشور کشیدند که بقول بعضی ها جنبش مقاومت ضد روسی مردم افغانستان در اثر این نوع اختلافات و دشمنی ها آنقدر متحمل خسارات و تلفات شده اند که از سوی روسها و پیروان شان نشده اند.

با اینحال کودتای ۷ ثور که مطابق برنامه و خواست روسها صورت گرفته بود و به آن وسیله کمونیست های وابسته به روس و تشنه مقام در افغانستان به قدرت رسیده بودند، دیری نپایید که در اثر جنگهای دوام دار و ضربات پیهم مردم، رژیم کودتا بحالت سقوط قرار گرفت، در این وضع روس ها که از نزدیک ناظر اوضاع افغانستان بودند و تلاش حفیظ الله امین را در جهت کنار آمدن با پاکستان و ایالات متحده امریکا می دیدند و از سوی دیگر تصور میکردند که دولت امریکا در جنگ های ویتنام شکست و آسیب های فراوان نظامی، اقتصادی و سیاسی را لمس کرده و شاید به این زودی ها جرئت درگیری یک جنگ منطقوی دیگر را در خود نداشته باشد زیرا بیانات جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا از حزب دیموکرات آن کشور مبنی بر تبلیغات صلح و دینتانت که شب و روز از طریق وسایل ارتباط جمعی گوش های جهانیان را کر کرده بود، چنین تصویری به روسها داده بود که ممکن دولت امریکا در درگیری افغانستان و پاکستان دخالت نکند، این خیالات جرئت و مواضع فکری رهبران شوروی را برای حرکت های استعماری در منطقه تقویت بیشتری بخشید تا سرانجام خلاف قوانین بین دول کشور ما را بتاريخ ۶ جدی ۱۳۵۸ بطور وسیع و همه جانبه مورد تجاوز نظامی قرار داده و حکومت حفیظ الله امین را که گفتند بنا به درخواست آن و بدفاع از حکومت وی به افغانستان نیرو پیاده کردیم، با خود حفیظ الله امین و طرفداران سرسخت آن بقتل رسانند و از آن روز به بعد، روسها از هر نوع سلاح زمینی و هوایی برای سرکوب مقاومت مردم ما استفاده کردند، مگر طوری که خیال کرده بودند و آرزو داشتند نه تنها جنبش مقاومت را سرکوب و تار و مار کرده نتوانستند بلکه برعکس پس از تجاوز مستقیم روس ها، روز تا روز جنبش اوج تازه بخود گرفت و چنان ضربات کاری بر پیکر ارتش سرخ و پیروان داخلی آن وارد ساخت که در نتیجه ناگذیر شدند از طریق موافقتنامه های ژنف راه برگشت قوای درگیرمانده خود را از باتلاق افغانستان بسوی شوروی در پیش گیرند.

سر انجام دولت شوروی با شکست شرم سار کشور افغانستان را ترک گفت و پس از دو سال حکومت دست نشانده آن در کابل نیز سقوط نمود.

به اختصار باید گفت: کودتا و پیامد تجاوز نظامی شوروی باعث تلفات صد ها هزار انسان، خسارات و رویداد های ویرانگر در افغانستان شد و همچنان مسبب تغییرات در اوضاع شوروی و در سطح جهان گردید.

۱ - سه میلیون افغان در اثر بمباردمان سر پناه های شان را از دست داده و پنج میلیون افغان در داخل و خارج آواره و پناهنده شدند.

۲ - بیش از هفتاد درصد آبادی ها و ساختار های زیربنائی کشور ویران و مردم در زیر آتش جنگ، فقر غذایی، مریضی، بی دوائی، نبود لباس و مسکن که همه از پیامدهای تجاوز و جنگ داخلی بود رنج بیکران برده و صدها هزار بکام مرگ فرو، رفتند.

۳- در اثر کودتا ها و تجاوز روس ها، زمینه برای مداخله از سوی دولت پاکستان و رژیم آخندی ایران در امور داخلی افغانستان فراهم گردید تا آنجا که در مذاکرات حل و فصل قضایای افغانستان و برگشت قوای شوروی به کشورش، دولت پاکستان مستقیماً و دولت ایران غیر مستقیم طرف های مذاکره با روس ها شناخته شدند و مردم افغانستان را در اثر بی کفایتی سران گروه های قومی و در گیر جنگ بودن میان خود شان به عنوان اصلی طرف در گیر جنگ با روس ها هیچ دولتی به حساب نیاورد.

۴ - پس از تجاوز نظامی دولت شوروی در افغانستان بعضی عناصر ملی و دیموکرات در سال های اخیر رژیم شاه که پا به عرصه وجود گذاشته بودند، در میان دو فشار عمده از سوی کمونیست ها و اسلامی نماها فروکش نموده و اکثراً با پراکنده شدن و ترک کشور و پنا بردن در سراسر جهان، جامعه از حرکت نورمال بسوی رشد و تکامل بازماند.

۵ - تجاوز روس ها به افغانستان اعتبار سیاست همزیستی مسالمت آمیز دولت آن کشور را که سال ها رهبران کرملین به طور دروغی برای جلب توجه دول و مردم جهان در مبارزه با دولت امریکا و غرب از آن داد سخن میزدند، نزد بسیاری دول و مردم جهان از بین برد و بخصوص اعتبار و پرستیژ احزاب کونیست پیرو شوروی را در تمام دنیا نزد ملت ها در حدی بی سابقه ای پائین آورد.

۶ - ادعای شکست ناپذیری ارتش سرخ را بی اعتبار نمود.

۷- دولت شوروی سابق در دوران ده سال جنگ در افغانستان بار عظیم میلیارد ها دالر خسارات مادی و از سی تا چهل هزار نفر تلفات انسانی را متحمل شد.

۸ - پس از تجاوز روسیه شوروی به افغانستان دولت ایالات متحده امریکا که بعد از شکست در جنگ های ویتنام سیاست صلح آمیز و دیپلمات را تبلیغ میکرد، بار دیگر در صحنه رقابت های نظامی با روسیه بر آمده و صدها میلیارد، دالر را برای ساختن سلاح های مدرن و مصارف نظامی تخصیص داده به تقویت نیروهای خویش در سراسر جهان و منجمله به منطقه خلیج فارس اقدام نمود.

۹- ایالات متحده امریکا با تبلیغ روی سیاست تجاوز گرانه شوروی در افغانستان توجه کشور های جهان را برای دوری از شوروی و نزدیک شدن هرچه بیشتر به امریکا و خرید سلاح ها و سایر معاملات از آن کشورها تشویق و ترغیب نمود تا آنجا که دولت شوروی با بودجه نظامی سالانه بیست میلیارد دالر در برابر بودجه بیش از سه صد میلیارد دالری امریکا خود را از رقابت با آن کشور عاجز دیده و بار دیگر سیاست صلح و خلع سلاح را در پیش گرفت و در تحقق به این امر و جلو گیری از منزوی نشدن در روابط بین المللی و پیشگیری از به میان آمدن بحران های اقتصادی، اجتماعی در داخل شوروی ناگزیر برای جلب اعتماد دول جهان در قدم نخست زیر نام گلاس نست نام دولت شوروی سوسیالیستی را به دولت جمهوری روسیه تغییر داده

و به استقلال شانزده کشور اسلامی قبلاً اشغال شده تن دهد و همچنان به کشورهای سوسیالیستی اعمار خود حق خود ارادیت قابل گردد و در مورد همه دول جهان مثل چین و غیره حاضر به تجدید نظر در سیاست خود شود.

خلاصه کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و پیامد تجاوز شوروی سابق مهمتر از هر چیز دخالت های صریح و بی شرمانه دشمن افغانستان یعنی دولت پاکستان را فراهم نمود که در جنگ های گروهی بر سر قدرت بیشترین ویرانی و کشتار های انسانی را در حکومت برهان ربانی، با «حزب اسلامی گلبدین حکمت یار» «حزب وحدت» به رهبری خلیلی و حاجی محمد محقق و «حزب جنبش ملی» به رهبری عبدالرشید دوستم و غیره به با آورد و پنج سال تا آنجا فعالیت های تروریستی در سطح منطقه و جهان ادامه یافت که سرانجام برج های نیویارک از سوی سازمان القاعده به رهبری اسامه بن لادن مورد حمله قرار گرفت که منجر به قتل سه هزار انسان گردید و آنگاه رای شکست حکومت طالبان و سرکوب سازمان القاعده پای چهل کشور به رهبری ایالات متحده به افغانستان کشیده شد که از سال ۲۰۰۱ بدین سو با استعمال هر نوع سلاح و بمباردمان طیارات جنگ و کشتار مردم افغانستان جریان دارد و هنوز هم پایان آن معلوم نیست. اکنون ظاهراً آمریکا و طالبان توافق نامه ای را تحت عنوان «صلح» امضا کرده اند و باز هم جنگ قدرت میان طالبان و دولت اشرف غنی و از چند ماه بدین سو دعوی قدرت از سوی داکتر عبدالله با رئیس جمهور غنی در جریان است، دیده شود که نتیجه به کجا می انجامد؟ با احترام . پایان

برای مطالعه قسمت اول این مطلب مهم بر لینک آریانا افغانستان در پایان کلیک کنید

http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/barez_n_kodeta_ha_wa_payan_namalom_1.pdf

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز و قلم بدست شناخته شده افغانستان را مطالعه کنند، میتوانند با "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.